



# درس ۱۰

# در انتظار طلوع

برآمی آفتاب صبح امید

گردد و امشب بجزان ایام

عقیده به «موعود» و «منجی» در اسلام و به خصوص در تشیع، اعتقادی عمیق و استوار است. این عقیده در میان ارادتمندان به عترت و اهل بیت علیهم السلام چنان ریشه دارد که تجلیات آن در زندگی روزانه شان مشاهده می شود. از بامدادان تا شامگاهان، بعد از هر نماز، یاد امام عصر (عج) دعا برای سلامتی آن عزیز و درخواست تعجیل در ظهورشان، برنامه ای دائمی و پیوسته است. در این درس، می خواهیم دو مسئله را بررسی کنیم و به آن ها پاسخ دهیم:

۱- آیا اعتقاد به «موعود» و «منجی» اختصاص به

مسلمانان دارد؟

۲- این اعتقاد چگونه زندگی انسان ها را تحت تأثیر قرار

می دهد؟



وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ  
 وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
 لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ  
 كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ  
 وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ  
 الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ  
 وَ لَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا  
 يَعْبُدُونَنِي  
 لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

نور ۵۵

وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ  
 عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ  
 وَ نَجْعَلَهُمُ آيَةً  
 وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

قصص ۵

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ

.....  
پس از ذکر (تورات)

مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا

عِبَادِي الصَّالِحُونَ

.....  
انبیاء ۱۰۵

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

.....  
که بر همه ی دین ها چیره گرداند

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

.....  
توبه ۳۳

---

كَرَّةٌ: نخواهد، اگر چه داشته باشد

يَرِثُهَا: آن را به ارث می برد

---

## آینده‌ی تاریخ

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه‌ی مبارزه‌ی دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه‌ی حق، انسان‌هایی حضور دارند که در راه خداپرستی، عدالت، انسان‌دوستی، آزادگی، فضایل اخلاقی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه‌ی باطل، خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک و کفر و ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به خواسته‌های خود، به بهره‌کشی از انسان‌ها و دامن زدن به فساد و بی‌بند و باری پرداخته‌اند. نتیجه‌ی نهایی این مبارزه چیست و پیروزی از آن کدام جبهه خواهد بود؟ جبهه‌ی حق یا جبهه‌ی باطل؟

پاسخ به این سؤال با بینش انسان درباره‌ی جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفریننده‌ی جهان در مانده‌اند و اداره‌کننده‌ی مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند.

اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می‌کند، بر اساس وعده‌ی الهی، باور دارند که آینده‌ی نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنه را ترک خواهد کرد.

## تفکر در آیات

در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید که چه آینده‌ای برای تاریخ انسان پیش بینی شده است؟

## مقایسه

این دو بینش درباره‌ی تاریخ انسان را مقایسه کنید و تأثیر هر کدام را بر روحیه، رفتار و برنامه‌ریزی افراد نشان دهید.

## موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده‌های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند که در پایان تاریخ، درحالی که شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می‌کند و حکومت جهانی و عادلانه‌ای تشکیل می‌دهد که فقط براساس دین خدا اداره می‌شود. این عقیده‌ی اصلی پیامبران الهی است اما همان‌طور که قبلاً دیدیم، تعلیمات هر پیامبری پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جمله‌ی این دگرگونی‌ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری درباره‌ی ظهور موعود پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

— یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد. مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است. آنان در این باره عقیده‌ی یکی از یاران حضرت عیسی علیه السلام به نام پولس را پذیرفته‌اند که می‌گوید منجی نهایی جهان حضرت عیسی علیه السلام است. او معتقد بود که حضرت عیسی علیه السلام در شبی که مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند اما سه روز پس از مرگ، بر صلیب زنده شد و به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد.<sup>۱</sup>

در آیین زرتشتی، اعتقاد به سوشیانت که به معنای منجی و رهاننده است، اعتقاد رایجی است و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.<sup>۲</sup>

اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی برای همکاری میان آن‌ها و تلاش برای تحقق آرمان‌های بزرگ همه‌ی پیامبران الهی، مانند معنویت، خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان است. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق‌طلبان و مانع توطئه‌های ستمگران می‌شود.

---

۱- این درحالی است که در انجیل برنابا و انجیل یوحنا ذکر شده که حضرت عیسی علیه السلام از آمدن پیامبری بعد از خود خبر می‌دهد و او را نجات بخش می‌خواند. قرآن کریم نیز کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند (سوره‌ی نساء آیه ۱۵۷).

۲- «خورشید مغرب» از محمدرضا حکیمی و «سوشیانت» یا «سیر اندیشه‌ی ایرانیان درباره‌ی موعود آخرالزمان» از علی اصغر مصطفوی.

## موعود در اسلام

ما مسلمانان بر این عقیده ایم که در آخرالزمان منجی بزرگ انسان‌ها از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظهور خواهد کرد و حکومت واحد و عادلانه‌ی جهانی را تشکیل خواهد داد. یکی از لقب‌های ایشان نیز «مهدی» (عج) است. البته در کتاب‌های حدیث اهل سنت تأکید شده که حضرت «مهدی» از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه رضی الله عنها است اما مشخص نیست که این فرزند در چه زمانی به دنیا می‌آید.<sup>۱</sup> در این میان اعتقاد شیعه، روشن، مشخص و همه‌جانبه است.

ما معتقدیم که بنا بر سخنان صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام موعود و منجی انسان‌ها دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. حضرت مهدی (عج) هم‌نام پیامبر صلی الله علیه و آله و کنیه‌ی اصلی ایشان نیز همان کنیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله - یعنی ابوالقاسم - است. ایشان آخرین ذخیره‌ی الهی است، و با توجه خاص خداوند به حیات خود ادامه می‌دهد تا این که به اذن خداوند ظهور می‌کند و حکومت جهانی اسلام را تشکیل می‌دهد.

معلوم بودن مشخصات امام زمان (عج) و حضور ایشان در جامعه فواید زیر را داشته است:

اول این که هر ماجراجوی فریب‌کاری که بخواهد خود را مهدی موعود معرفی کند، به‌زودی شناخته می‌شود و مردم هوشیار فریب او را نمی‌خورند.

دوم این که پیروان آن حضرت، امام خود را حاضر و ناظر بر خود می‌یابند و می‌دانند که ایشان از اعمال شیعیان آگاه‌اند و از فداکاری‌ها و مجاهدت مؤمنان اطلاع دارند.

سوم این که آنان احساس می‌کنند که با امام حاضر و ناظر خود می‌توانند گفت و گو کنند، خواسته‌ها و تمایلات درونی‌شان را با ایشان درمیان گذارند و برای به‌دست آوردن رضایت ایشان، با امید و نشاط و پویایی تلاش کنند.

چهارم این که جامعه به صورت‌های گوناگون از هدایت‌های امام و از ولایت معنوی ایشان برخوردار می‌گردد.

۱- تاریخ بخاری، ج ۳، ص ۳۴۳، کتاب المهدی، ج ۴، ص ۱۰۷ و مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

پیروان پیامبران الهی چگونه می‌توانند برای فراهم کردن زمینه‌ی ظهور منجی جهانی با یکدیگر همکاری کنند؟ پیشنهادهای خود را عرضه کنید.

## طرح یک سؤال

زنده بودن امام مستلزم عمر بسیار طولانی ایشان است. آیا عمری تا این حد طولانی برای یک انسان امکان‌پذیر است؟

در پاسخ می‌گوییم: برخی امور از نظر عقلی امکان‌پذیر نیستند و محال است در جهان خارج تحقق پیدا کنند؛ برای مثال، ممکن نیست که یک عدد هم زوج و هم فرد باشد. همچنین، ممکن نیست یک جسم در یک زمان، هم در مکان الف باشد و هم در مکان ب. اما برخی امور هستند که تحقق آن‌ها از نظر عقلی امکان‌پذیر است اما شرایط و عوامل خارجی بسیار زیادی باید دست به‌دست هم دهند تا آن امور تحقق یابند. این‌ها امور غیرعادی‌اند، نه غیرعقلی. طولانی شدن عمر انسان‌ها از جمله‌ی این امور است. از نظر عقلی، بدن انسان می‌تواند هزاران سال زنده بماند. اما تحقق این هدف، تحت تأثیر هزاران هزار عامل طبیعی و زیستی در بیرون و داخل بدن انسان است. امروزه دانشمندان بر تعداد اندکی از این عوامل آگاهی یافته‌اند و تلاش می‌کنند که روز به‌روز آگاهی خود را بیش‌تر کنند تا بتوانند عمر انسان را طولانی‌تر نمایند. از آن‌جا که خداوند از کلیه‌ی این عوامل و شرایط آگاهی دارد و همه‌ی آن عوامل و شرایط هم در اختیار اوست، به قدرت و اراده‌ی خود جسم مبارک امام عصر (عج) را جوان نگه می‌دارد تا آن حضرت به حیات خود ادامه دهد. پس، عمر طولانی امام امری غیرعادی است، نه غیرعقلی و محال. و با قدرت الهی عملی می‌شود.

## انتظار موعود

نگاه مثبت دین به آینده‌ی تاریخ و اعتقاد به حضرت مهدی (عج)، اصلی به نام «انتظار» را در دل‌ها زنده کرده است. انتظار هم یک امر فطری انسانی و هم یک اصل مثبت اجتماعی است. شخص منتظر انسان آرمانی خود را می‌شناسد، همه‌ی زیبایی‌ها و کمالات انسانی را در او می‌بیند، از این رو به‌طور طبیعی او را محبوب خود می‌یابد و مشتاق دیدار او می‌شود. امام، محبوب



و معشوقِ هر مؤمن است. مهر و عشق به امام زمان (عج) سبب می‌شود:

- ۱- شخص عاشق برای جلب رضایت امام تلاش کند.
- ۲- شخص عاشق امام را اسوه‌ی خود قرار دهد و خصلت‌های زیبای ایشان را در خود به‌وجود آورد.

۳- شوق دیدار امام، امید به آینده‌ی زیبا را در او افزایش می‌دهد.

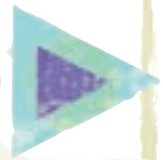
جامعه‌ی منتظر به واقعیت‌های ناهنجار موجود «نه» می‌گوید و به امید فردای درخشان تلاش می‌کند. جامعه‌ی منتظر، حکومت طاغوت را بر نمی‌تابد؛ در مقابل آن می‌ایستد و مقاومت می‌کند. جامعه‌ی منتظر می‌کوشد در جهت همان نوع از جامعه‌ای که انتظارش را می‌کشد حرکت کند؛ برای مثال، اگر در انتظار عدالت جهانی است، در حد توان آن را تمرین می‌کند و برای تحقق آن پیش می‌رود؛ به گونه‌ای که جوامع دیگر با مشاهده‌ی جامعه‌ی منتظر، مشتاق آن جامعه و آرمان‌های آن شوند.

به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان، پویایی جامعه‌ی شیعه در طول تاریخ، به دو عامل وابسته بوده است:

الف - گذشته‌ی سرخ - اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای ایثار و شهادت در راه عدالت خواهی، آرمانگرایی و حقیقت‌جویی.

ب - آینده‌ی سبز - باور به مهدویت و نپذیرفتن حکومت‌های طاغوتی و تلاش برای گسترش عدالت و انسانیت در سراسر جهان.

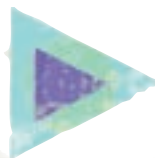
برای مطالعه



رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره‌ی ویژگی‌های منتظران می‌فرماید:  
درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه‌ی شعبان برای من و شما این است که هرچند اعتقاد به ظهور حضرت مهدی - ارواحنا فداه - یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست اما نباید مسئله را فقط به جنبه‌ی آرمانی آن ختم

کرد؛ یعنی، به عنوان یک آرزو در دل یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن، نه؛ این آرمانی است که باید عمل به دنبال آن بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان (عج) آماده کنیم. سربازی امام زمان کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی، آگاهی و روشن بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می‌دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم. نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و معنایش این است که انسان از لحاظ علمی، فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدان‌های فعالیت و مبارزه، آماده‌ی کار باشد<sup>۱</sup>.

برای مطالعه



دعاها، زیارت‌نامه‌ها و ادبیات دینی ما سرشار از جلوه‌های معرفت، محبت و شوق دیدار به امام عصر است. مشتاق امام در دعای عهد، تمنای خود را این گونه با خداوند در میان می‌گذارد:

اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ      خدا یا به من بنمایان آن جمال رشید

۱- سخنرانی به مناسبت نیمه‌ی شعبان، در مصالای تهران، در تاریخ ۳۰/۷/۸۱.

وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ  
 وَ الْكُلَّ نَاطِرِي بِنَظْرَةٍ مَنِّي إِلَيْهِ  
 وَ عَجَلَ فَرَجَهُ  
 وَ سَهَّلَ مَخْرَجَهُ  
 وَ أَوْسَعَ مَنَهْجَهُ  
 وَ اسْلُكُ بِي مَحَجَّتَهُ  
 و چهره‌ی ستوده را  
 و بانگ‌های از من به او، دیده‌ام را نورانی کن  
 و در گشایش امرش تعجیل فرما.  
 و خروجش (از غیبت) را آسان گردان  
 راهش را وسعت بخش  
 و مرا به راهش در آور!

و چون به خود می‌نگرد، خود را تنها می‌یابد و می‌گوید:

ای پادشاه خوبان، داد از غم تنهایی  
 و ایام گل این بستان شادابش ماند  
 ششانی و مجرمی دور از تو چنانم کرده  
 ساقی چمن گل را بی روی تو رکمی نیست  
 ای درد توام در بان در بسته ناکامی  
 عاصف شب جبران شد بومی خوش میل آه  
 دل بی تو به جان آه، وقت است که باز آئی  
 در یاب ضعیفان را، وقت توانایی  
 کز دست بخوابد شد پایب شکیبانی  
 شمشاد خرامان کمن تا باغ بیارایی  
 وی یاد توام سونس در گوشه‌ی تنهایی  
 شادیت به‌زادگان بود، ای عاشق شیدانی!

۱- مفاتیح الجنان، دعای عهد

۲- دیوان حافظ

و با بیانی صمیمی، انتظار خود را این گونه ترسیم می کند:

از نوشتن کزس پشه انتخاری ام      گل کرد و خار شیب بی قراری ام  
آتش بزار پاره دل از یک نگاه تو      ایام بزار پشه در آینه کاری ام  
کرن بشوق دیدنت از خویش می روم      از خویش می روم که تو با خنما بیاری ام  
بود و نبود من هم از دست رفت است      بدی که تو دست بر آری بیاری ام  
کاری به کار غیر ندارم که ن بخت      هر چه نهاد نام تو بر زخم کاری ام  
آس علی قرار تو چون موج بی قرار      با رود روی سوی تو و ایام که جاری ام  
با خنما به کتب نوشتنم بیایا      زان پیش ترک پاک شود یا کاری ام

### مسئولیت های منتظر

اکنون جا دارد که ببینیم در دوره ی غیبت چه مسئولیت هایی برعهده ی منتظران قرار دارد. در این جا به مهم ترین این مسئولیت ها اشاره می کنیم.

۱- تقویت ایمان: عصر غیبت، عصر دودلی ها و شک و تردیدهاست. در این دوره، فتنه های گوناگون و اندیشه های رنگارنگ پیدا می شوند و بی ایمانی را تبلیغ می کنند. مؤمن حقیقی، به خود تردید راه نمی دهد و با یقین، برای فردای روشن آماده می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی رضی الله عنه فرمود: **بزرگ ترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی هستند که در روزگاران آینده زندگی می کنند، پیامبرشان را ندیده اند، امام آن ها در غیبت است و فقط به سبب خواندن خطی روی کاغذ (خواندن قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام) ایمان می آورند.**<sup>۱</sup>

۱- از کتاب گل ها همه آفتابگرداند، قیصر امین پور.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۲- ایجاد آمادگی در خود و جامعه: منتظر، عصر غیبت را عصر آماده‌باش برای یاری امام تلقی می‌کند. او هر لحظه منتظر است ندای امام علیه السلام در جهان طنین‌انداز شود و مردم را برای پیوستن به حق فراخواند. شیعه، هرشب به امید شنیدن ندای امام سر به بالین می‌گذارد.

آنان که در عصر غیبت با مستکبران زمان خود مبارزه نکرده و زندگی عملی خود را صحنه‌ی مبارزه با باطل نساخته‌اند، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی علیه السلام به حضرت مهدی (عج) خواهند گفت: «تو و پروردگارت بروید و بچنگید، ما این‌جا می‌نشینیم».<sup>۱</sup>

البته این آمادگی ابعاد گوناگون علمی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی دارد و منحصر به یک تخصص نمی‌شود. زیرا امام زمان (عج) یارانی توانمند در همه‌ی ابعاد می‌خواهد؛ یارانی که بتوانند مسئولیت‌های بزرگ عصر ظهور را بر دوش گیرند و با هدایت امام خود جامعه‌ای برخوردار از همه‌ی مواهب طبیعی و سرشار از شور و نشاط زندگی بنا کنند که در آن خبری از فقر، عقب‌ماندگی، جهل و ظلم و تبعیض نباشد. منتظر واقعی با افکار نیکو و عمل صالح خود، دیگران را به این حق فرامی‌خواند و با کژی‌ها و زشتی‌ها مبارزه می‌کند. او می‌کوشد آرمان‌های امام و آنچه را که ایشان می‌پسندد، در جامعه تحقق بخشد تا زمینه‌ی ظهور را فراهم نماید.

## برنامه‌ریزی

کسی که منتظر میهمان است، خود و محیط زندگی خود را برای آمدن او آماده می‌کند. برای آمادگی و استقبال از میهمان گرمی خود، امام زمان (عج)، چه پیشنهادهایی دارید؟ با یک دیگر مشورت کنید و برنامه‌ای تنظیم نمایید.

۱- اشاره به آیه‌ی ۲۴ سوره مائده.

۳- تقویت معرفت و محبت به امام: افزایش معرفت به امام عصر(عج) و تقویت محبتی که به دنبال آن می‌آید، وظیفه‌ی هر مسلمانی است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سخنانی ضمن معرفی همه‌ی امامان، درباره‌ی امام عصر(عج) می‌فرماید:

هرکس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر(عج) را بپذیرد.<sup>۱</sup>

۴- پیروی از امام عصر(عج): منتظر حقیقی تلاش می‌کند در عصر غیبت هم پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند. این پیروی و تبعیت، به جنبه‌ای خاص محدود نمی‌شود بلکه همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی را دربر می‌گیرد و تأسی به این کلام رسول خداست که می‌فرماید:

خوشا به حال کسی که به حضور «قائم» برسد، درحالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.<sup>۲</sup>

۵- دعا برای ظهور امام: در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است. زیرا فرج و گشایش واقعی برای دینداران با ظهور آن حضرت حاصل می‌شود. امیر مؤمنان می‌فرماید:

منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب‌ترین کارها نزد خداوند، انتظار فرج است.

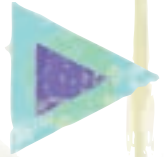
لازمه‌ی این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر(عج) و حضور در پیشگاه اوست. بر این اساس، خواست خود را این‌گونه به درگاه خداوند عرضه می‌داریم:

«خداایا! از تو آن دولت با کرامتی را طلب می‌کنیم که با آن، اسلام و اهلش را عزیز گردانی و نفاق و اهلش را خوار سازی. ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به طاعت خود و رهبران به سوی راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن بر ما ارزانی دار.»<sup>۳</sup>

۱- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۳- بخشی از دعای افتتاح.



## جهانی شدن، جهانی سازی و مهدویت

امروزه، با واقعیتی به نام جهانی شدن (Globality) مواجهیم و لازم است رابطه‌ی آن را با موضوع مهدویت بررسی کنیم. جهانی شدن به معنای گسترش ارتباطات میان انسان‌ها و افزایش تأثیر متقابل اقوام، ملت‌ها و کشورها بر یکدیگر است؛ به گونه‌ای که کمتر اتفاقی در گوشه‌ای از عالم رخ می‌دهد که مردم دیگر سرزمین‌ها از آن بی‌خبر بمانند و حیات اجتماعی آنان از این اتفاق تأثیر نپذیرد. پیدایش ابزارهای ارتباطی صوتی و تصویری و متنی مانند تلفن ثابت و سیار، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت از یک طرف و وسایل نقلیه‌ی جدید مانند اتومبیل، قطار و هواپیما از طرف دیگر، ارتباط میان انسان‌ها را در نقاط مختلف کره‌ی زمین چنان توسعه داده است که گویی مانند مردم یک دهکده با هم آشنایند. از همین جاست که مفهوم «دهکده‌ی جهانی» (Global village) شکل گرفته است.

این یک واقعیت اجتماعی است که رخ داده است و اکنون ما در چنین جهانی زندگی می‌کنیم. با پدیدار شدن این واقعیت، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر برنامه‌ریزی کرده‌اند که فرهنگ، اندیشه و آن شیوه‌ی زندگی را که خود می‌پسندند، جهانی کرده و بر سایر مردم تحمیل کنند. این طرح و برنامه را جهانی سازی (Globalisation) می‌نامند. برای رسیدن به این منظور، از امکانات بسیار پیچیده‌ی آشکار و پنهان کمک می‌گیرند. شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و رادیویی، ماهواره‌ها، شبکه‌های بسیار زیاد اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها و نشریات، سازمان‌های گسترده‌ی اطلاعاتی و جاسوسی ابزار گسترش فرهنگ قدرت‌های بزرگ و به‌خصوص آمریکا هستند. پشتوانه‌ی این ابزار، قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکاست که با ایجاد رعب و ترس یا وابستگی و تسلیم‌طلبی یا طمع، زمینه را برای توسعه‌ی فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم آمریکایی آماده می‌کنند؛ برای مثال، آمریکا پس از این که افغانستان و عراق را تصرف کرد، ده‌ها شبکه‌ی تلویزیونی به راه انداختن فرهنگ و اخلاق خود را بر مردم مسلمان این دو کشور تحمیل کند.

آنچه در این جا حائز اهمیت و نیازمند روشن بینی است، این است که بدانیم با توجه به قدرت گسترده و پیچیده‌ی ارتباطات، شیوه‌های مدرن تبلیغ، مهم‌ترین ابزار یکسان‌سازی فرهنگی است. آن‌ها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم و از زبان ملت‌ها شکاف میان نسل‌ها را چنان بزرگ می‌کنند که نسل جدید احساس کند دیگر نمی‌تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ خودی مانند نوع پوشش، سبک معماری، نوع غذا، شیوه‌های معاشرت و حتی ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی و به‌طور کلی شیوه‌ی زندگی خود را در زیباترین قالب‌های ممکن تبلیغی عرضه می‌کنند تا علاوه بر جلب نظر ملت‌ها، اندیشه‌ی آن‌ها را دنباله‌رو خود سازند. در این جاست که ذکاوت و زیرکی ملت‌ها، به خصوص نسل جوان، باید به کمک ما بیاید تا به جای پیوستن به جهانی‌سازی تحمیلی، با تکیه بر کرامت و عزت خود و با اعتماد به قدرت ابتکار و خلاقیت و پیشه کردن بردباری و صبر، فرهنگ خود را تعالی بخشیم و در این رقابت جدی و سخت، موفق باشیم.

حال که جهانی شدن ارتباطات و تبدیل جهان به یک دهکده، این فرصت را ایجاد کرده است که افکار و عقاید در میدان جهانی به رقابت برخیزند، کدام عقیده و کدام روش زندگی لیاقت دارد به‌طور طبیعی مورد پذیرش ملت‌های مختلف قرار گیرد؟ چنین به نظر می‌رسد که عقیده‌ای با شاخصه‌های زیر می‌تواند جهانی شود:

- ۱- با فطرت انسان و ویژگی‌های فطری او سازگار باشد.
- ۲- مبتنی بر عقلانیت و قابل دفاع عقلی باشد.
- ۳- توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای اصلی دنیای امروز، مانند عدالت اجتماعی، را دارا باشد.
- ۴- از پشتوانه و تأیید الهی برخوردار باشد.

۵- یک رهبر معصوم و مورد اعتماد، مبلّغ آن باشد.

با تأملی در عقاید اسلامی و دیدگاه تشیع درباره‌ی مهدویت، این پنج شاخصه را در آن می‌بینیم. جهانی شدن فرصت مناسبی برای جهانی‌سازی اندیشه‌ی اسلامی با استفاده از تبلیغ سازنده و مثبت است. معتقدان به مهدویت و ظهور حضرت مهدی (عج) باید با حضور فعال و مؤثر در صحنه‌های جهانی و نشان دادن نقاط ضعف اندیشه‌های دیگر زمینه‌های ظهور را بیش‌تر فراهم کنند.





- ۱- از دیدگاه قرآن کریم، آینده‌ی تاریخ از آن چه کسانی است؟
- ۲- معتقد بودن به انتظار، چه تأثیرهایی بر شخصیت فرد منتظر دارد؟
- ۳- این جمله را تحلیل کنید: «منتظران مصلح جهانی، خود باید صالح باشند.»



- ۱- یکی از دعا‌های مهمی که ارتباط ما را با امام عصر (عج) تقویت می‌کند، دعای عهد است. این دعا را در کتاب مفاتیح الجنان بیابید؛ آن را مطالعه کنید و ببینید که در این دعا چه عهدی مطرح شده است.
- ۲- پیشرفت تکنولوژی و جهانی شدن ارتباطات، فهم کدام یک از علائم ظهور حضرت مهدی (عج) را آسان کرده است؟
- ۳- در آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی رعد بیندیشید و توضیح دهید که:  
الف - در این آیه، از چه مثالی برای نشان دادن تقابل حق و باطل استفاده شده است؟  
ب - چه شباهت‌هایی میان آن مثال و حق و باطل وجود دارد؟
- ۴- با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، توضیح دهید که «انتظار مثبت» چه تفاوت‌هایی با «انتظار منفی» دارد؟

عرفت، محبت و انتظار

سکھدی زیبا کہ بانہ مسمدی، سچ اور خاطر نازندہ ہی شود۔  
انتظار، بدون محبت و محبت، بدون معرفت ہی سناست۔

\*

در نامہ ہی زندگی خود۔

بہترین فرصت ڈرا باہر این سکھہ زیب انقصا س می و سیر وی کو شیم  
بر معرفت خود، اما زمان سچ ایتر اصر و عشق او را در دل شدہ و تر کنیم  
تا از منتظران و مشتاقان حقیقی دیدارش پایہ شود۔



# درس ۱۱

## تداوم امامت در عصر غیبت

در درس های گذشته دیدیم که سه قلمرو از رسالت رسول خدا ﷺ، پس از ایشان به ائمه اطهار علیهم السلام منتقل شد و آنان به عنوان حجّت های خدا در روی زمین، این مسئولیت ها را برعهده گرفتند و در همین چهارچوب، جهاد و مبارزه کردند تا این که زمان امامت حضرت مهدی (عج) فرا رسید. با توجه به شرایط دشواری که پیش آمده بود، امام دوازدهم (عج) به فرمان خداوند از نظرها پنهان شد و در پس پرده ی غیبت قرار گرفت. امام علیه السلام ابتدا از طریق افرادی خاص که به نایبان چهارگانه معروف اند، با شیعیان ارتباط داشت و مردم می دانستند که این افراد، به حضور امام زمان (عج) می رسند و رابط میان مردم و ایشان اند، این دوره را دوره ی «غیبت صغری» می گویند.

پس از درگذشت چهارمین نایب خاص آن حضرت، «غیبت کبری» آغاز شد و مسئولیت های امامت وارد مرحله ی جدیدی گردید.

اکنون می خواهیم بدانیم:

آیا مسئولیت های مربوط به امامت در این دوره تعطیل می شود یا

به شکل و گونه ای دیگر ادامه می یابد؟

چه راه حلی برای این مسئله پیش بینی شده است؟

## ۱- ولایت معنوی امام در عصر غیبت کبری

از آن جا که این مقام نیازمند حضور آشکار آن حضرت نیست، در عصر غیبت نیز همچنان برعهده‌ی ایشان است. عالم خلقت از برکات حضور ایشان بهره می‌برد و خورشید وجودشان به هستی گرمی و حیات می‌بخشد. در مواقع حساس و سرنوشت‌ساز امدادهای خود را به اذن خداوند به مسلمانان می‌رساند و آنان را که دارای شایستگی ویژه‌ای باشند، به نحو خاص دستگیری می‌کند و نفس و روحشان را با هدایت‌های غیبی خود به کمال می‌رساند.

## ۲- مرجعیت علمی در غیبت کبری

دین به عنوان برنامه‌ی زندگی، به عصر پیامبر ﷺ و امام علیؑ اختصاص ندارد. به دست آوردن احکام آن نیز ویژه‌ی آن دوران نیست؛ علاوه بر این، همواره مسائل جدیدی پیش می‌آید که یک مسلمان می‌خواهد بداند دین درباره‌ی آن‌ها چه حکمی دارد. بانکداری، بیمه‌های اجتماعی، نماز در هواپیما، پیوند اعضا و خرید و فروش عضو از جمله‌ی این مسائل اند و یک فرد مسلمان، در هنگام مواجهه با آن‌ها، نیازمند دانستن حکم اسلامی آن‌هاست. همچنین، در موضوعاتی مانند نماز، روزه، خمس، حج و سایر احکام اسلامی که به نظر می‌رسد از زمان پیامبر اکرم ﷺ دستورات مربوط به آن‌ها روشن بوده است، صدها سؤال وجود دارد که پاسخ دادن به آن‌ها جز با تکیه بر تخصص عمیق و تسلط کامل بر منابع دینی مقدور نیست. این کار در اصل، بر عهده‌ی پیامبر ﷺ و امام معصوم علیؑ است که پاسخ‌های صحیح و قابل اطمینان را به مردم عرضه کنند. اما در دوره‌ی غیبت کبری که مردم به امام علیؑ دسترسی ندارند نیز راهی باید باشد که مردم از آن طریق پاسخ سؤال‌های خود را دریافت کنند.

## ۳- حکومت اسلامی در غیبت کبری

دلایلی که برای ضرورت حکومت اسلامی در عصر پیامبر ﷺ و امامان بی‌نیاز ذکر شد، اختصاص به آن دوران ندارد بلکه در همه‌ی عصرها به قوت خود باقی است.



دلایل سه گانه‌ی ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را که در درس پنجم بیان شد، در این قسمت یادداشت کنید.

۱-.....

۲-.....

۳-.....

اکنون که دانستیم تداوم مرجعیت علمی و ولایت ظاهری در عصر غیبت هم ضروری است، باید ببینیم چه راه حل مناسبی برای آن پیش بینی شده است.

### راه حل

قرآن کریم و پیشوایان ما راه حل مناسب برای انجام دادن این دو مسئولیت را نشان داده و مردم را به سوی آن هدایت کرده اند.

قرآن کریم ابتدا از جامعه‌ی اسلامی می‌خواهد که گروهی وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و «تفقه» در دین را وظیفه‌ی اصلی خود قرار دهند. از آن جا که «تفقه» به معنای تفکر عمیق است، به افرادی که به این معرفت عمیق در دین و احکام دینی رسیده اند، «فقیه» می‌گویند.

در آیه‌ی زیر تفکر کنید و عبارت‌ها را تکمیل نمایید.

و ما كان المؤمنون لينفروا كافةً	و مؤمنان را نشاید که همگی بیرون روند
فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفةً	پس چرا کوچ نکنند از هر گروهی، جمعی از آن‌ها
ليتفقوا في الدين	تا دانش دین بیاموزند،
ولينذروا قومهم	و مردم خویش را انذار دهند
إذا رجعوا إليهم	آن‌گاه که به سوی آن‌ها باز گردند؛
لعلهم يحذرون	شاید که بترسند و توجه کنند.

توبه ۱۲۲

۱- از آن جا که همه‌ی مسلمانان نمی‌توانند درباره‌ی احکام دین تفقه

و تحقیق کنند، .....

۲- این افراد وظیفه دارند .....

.....

ائمه‌ی اطهار عليهم السلام در عصر خود افرادی فقیه و آگاه به احکام و معارف اسلامی را تربیت می‌کردند و به مناطقی که به امام دسترسی نداشتند، می‌فرستادند تا پاسخ‌گوی سؤال‌های دینی مردم باشند و قوانین دین را برای آنان بیان کنند.

امام کاظم عليه السلام این فقیهان را دژهای محکم اسلام معرفی کرده است که حافظ اسلام‌اند و در مقابل کژاندیشی‌ها از آن حراست می‌کنند.<sup>۱</sup> امام صادق عليه السلام نیز نقش آنان را مهم می‌دانست و

۱- اصول کافی، ج ۱، باب فقدا العلماء.

مرگشان را برابر با شکاف و رخنه در اسلام می‌شمرد<sup>۱</sup>.

بدین ترتیب، با تکیه بر دو پشتوانه، در عصر غیبت، وظایف مربوط به «مرجعیت علمی» و «حکومت اسلامی» به فقیهان باتقوا و اسلام‌شناسان آگاه به زمان سپرده می‌شود و بار امانت بر دوش آنان قرار می‌گیرد. پشتوانه‌ی اول قرآن کریم و پشتوانه‌ی دوم سیره و سنت پیامبر ﷺ و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام است که با تعالیم خود اصول و مبانی لازم برای اجتهاد را تبیین کردند و راه را برای فقیهان هموار ساختند.

امام عصر(عج) در پاسخ یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که درباره‌ی «رویدادهای جدید» عصر غیبت سؤال می‌کرد و راه چاره را جست و جو می‌نمود، فرمود:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ      و در مورد رویدادهای زمان  
فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا      به راویان حدیث ما رجوع کنید.  
فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ      که آنان حجّت من بر شمایند  
وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ      و من حجّت خدا بر آنها می‌باشم<sup>۲</sup>

در دوره‌ی غیبت، بنابه فرمان امام زمان(عج) و به نیابت از ایشان، «فقیه» واجد شرایط، دو مسئولیت «مرجعیت علمی» و «رهبری و ولایت ظاهری» را برعهده دارد و در حد توان، جامعه‌ی اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می‌کند. فقیهان، با تفکر در آیات و روایات و با کمک گرفتن از موازین دقیق عقل، احکام را به‌دست می‌آورند و در اختیار مردم قرار می‌دهند. کسانی هم که خود در احکام دینی متخصص نیستند، به این متخصصان مراجعه می‌کنند و مطابق با راهنمایی آنان عمل می‌نمایند. به این مراجعه، پیروی یا «تقلید» می‌گویند. پس، تقلید در این جا به معنای رجوع به متخصص است. چنین فقیه‌ی را نیز مرجع می‌نامند. از میان فقیهان دارای شرایط، آن کس که توانایی لازم برای برپایی و اداره‌ی حکومت را دارد، رهبری جامعه را به‌دست می‌گیرد و به پیاده کردن قوانین الهی در جامعه اقدام می‌کند. فقیه‌ی که این مسئولیت را برعهده دارد، ولیّ فقیه نامیده می‌شود.

۱- همان.

۲- کمال‌الدین، شیخ صدوق، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۳.



بدین ترتیب، در عصر غیبت :

۱- مرجعیت علمی در شکل مرجعیت فقیه ادامه می‌یابد.

۲- حکومت اسلامی در چهارچوب ولایت فقیه استمرار پیدا می‌کند.

بنابراین، گرچه از حضور آشکار امام عصر (عج) در جامعه محرومیم و از این جهت گرفتار خسران و زیان عظیمی هستیم، اما با راهنمایی ایشان، راه رسیدن به هدایت الهی و احکام و دستورات او همچنان باز است و امکان برقراری عدالت و قسط به طور نسبی همچنان وجود دارد. به عبارت دیگر، در راه رسیدن به احکام الهی و تشکیل حکومت اسلامی بن‌بستی وجود ندارد.

### شرایط مرجع

همان‌طور که در پاسخ امام عصر (عج) به اسحاق بن یعقوب دیدیم، فقیه باید بتواند به مسائل جدید جامعه پاسخ دهد و احکام مربوط به آن‌ها را بیان کند. امام صادق علیه السلام درباره‌ی ویژگی‌های مرجع می‌فرماید :

هر کس از فقیهان که	فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ
نگهدارنده‌ی نفس خود،	صَائِنًا لِنَفْسِهِ،
نگهبان دین خود،	حَافِظًا لِدِينِهِ،
مخالفت‌کننده با هوی و هوس خود	مُخَالِفًا لِهَوَاهُ،
فرمان‌بردار فرمان خداوند خود باشد	مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ،
پس، بر مردم است که از او پیروی کنند.	فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ
این ویژگی‌ها وجود ندارد،	وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ
مگر در برخی از فقیهان شیعه	إِلَّا لِبَعْضِ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ
نه در همه‌ی آن‌ها. <sup>۱</sup>	لَا كُلَّهُمْ

۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۶ و احتجاج طبرسی، چاپ نجف، ج ۲، ص ۲۶۳ تا ۲۶۵.

با استفاده از این دو حدیث و احادیث دیگر، فقهی شایسته‌ی پیروی است که شرایط زیر را داشته باشد :

- ۱- با تقوا و عادل باشد ؛
- ۲- زمان‌شناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز استخراج کند ؛
- ۳- در رشته‌ی تخصصی خود - یعنی معارف و احکام دینی - از دیگران داناتر باشد.

### راه‌های شناخت فقیه واجد شرایط

شناخت متخصص در احکام دین، مانند شناخت هر متخصص دیگر است. ما همان‌طور که برای یافتن یک پزشک یا معمار یا مهندس مورد اعتماد، تحقیق و جست‌وجو می‌کنیم، در این مورد نیز باید تحقیق نماییم و یکی از راه‌های زیر را پیش بگیریم :

- ۱- خود ما به اندازه‌ای از علم فقه اطلاع داشته باشیم که بتوانیم فقیه دارای شرایط را بشناسیم و تشخیص دهیم.
- ۲- از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند، بپرسیم.
- ۳- یکی از فقیهان، آن‌چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.



۱- اگر مسلمانی که خود متخصص در احکام نیست، فقیه واجد شرایط را انتخاب نکند و به وی مراجعه ننماید، اعمال دینی او چگونه خواهد بود؟

۲- آیا شما مرجع تقلید خود را تعیین کرده‌اید؟ از چه طریقی؟

## چند نکته‌ی ارزشمند

جایگاه مرجع در زندگی شیعیان و چگونگی انتخاب آنان، در بردارنده‌ی چند پیام بسیار جالب و روشنگر است:

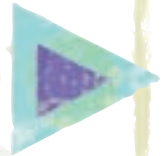
۱- هر یک از افراد جامعه، نه تنها می‌تواند بنا بر تشخیص خود مرجع واجد شرایط را انتخاب کند، بلکه موظف است که بر مبنای چنین تشخیص آگاهانه‌ای، اقدام کند؛ بنابراین، انتخاب آگاهانه‌ی مرجع نه تنها حق هر فرد بلکه وظیفه‌ی اوست.

۲- اگر کسی، پس از مدتی مراجعه به یک فقیه، تشخیص دهد که فقیه دیگری آن شرایط را در سطح عالی‌تری دارد لازم است به تشخیص خود عمل کرده و از فقیه اعلم و شایسته‌تر پیروی کند. هیچ کس نمی‌تواند پیروی از یک فقیه را بر انسان تحمیل کند یا او را از پیروی از فقیهی باز دارد. معیار و ملاک، تشخیص خود فرد، بر مبنای قوانین دین است.

۳- این انتخاب آگاهانه در طول تاریخ تشیع زمینه‌ساز رابطه‌ای عمیق میان مردم و مراجع بوده و جلوه‌هایی زیبا از روابط متقابل آنان را به نمایش گذاشته است. کمتر دیده شده است که زندگی مرجعی از سطح معمولی افراد جامعه بالاتر رود و به تجمل و ثروت آلوده شود. زندگی بسیاری از آن‌ها نیز از سطح عادی پایین‌تر بوده است. مردم همواره به آنان اعتماد کرده و فرمان‌هایشان را محترم شمرده‌اند. پیروی از فرمان‌های امام خمینی - رحمه الله علیه - در سخت‌ترین شرایط مبارزه با رژیم پهلوی و توطئه‌های حکومت آمریکا نمونه‌ای از اجرای این گونه فرمان‌هاست.

۴- آنچه در انتخاب مرجع تقلید نقش اساسی دارد، دانش و تقوای اوست. مردم می‌کوشند فقیهانی با این مشخصات را بشناسند و بدون هیچ تشریفات‌ی به مقام مرجعیت برسانند.

برای مطالعه



چرا در برخی از موضوعات، نظرات فقیهان متفاوت می‌شود؟  
فقه یک رشته‌ی تخصصی است که فقیه پس از طی مدارج علمی در علوم و موضوعاتی مانند ادبیات عرب، منطق، حدیث، تفسیر، علم اصول، علم رجال، درایة‌الحدیث و آشنایی با برخی رشته‌های دیگر مانند تاریخ اسلام و علم کلام وارد آن

می‌شود و پس از سال‌ها تحصیل به این توانایی دست می‌یابد که بتواند با مراجعه به قرآن و سنت و سیره‌ی معصومین و با به‌کارگرفتن قواعد و اصول خاص، مسائل فقهی را پاسخ دهد. از آن‌جا که فقیهان، معصوم نیستند، ممکن است در مسیر تحقیق خود دچار خطا شوند و میان یک فقیه با فقیه دیگر درباره‌ی یک مسأله اختلاف نظر پیش آید. این اختلاف نظر، شبیه به اختلاف نظر میان پزشکان است که ممکن است یک پزشک با معاینه‌ی بیمار و بر مبنای مطالعات علمی خود به تشخیصی برسد و پزشک دوم به تشخیصی دیگر. البته به میزانی که مسأله، پیچیده‌تر و دقیق‌تر می‌شود، احتمال اختلاف نظر افزایش می‌یابد. به همین جهت است که مردم باید تلاش کنند آن فقهی را که از دیگران داناتر است، شناسایی کرده و از او پیروی نمایند تا احتمال خطا کاهش یابد.



- ۱- پیام‌های اصلی این درس کدام‌اند؟
- ۲- مقصود از «تقلید» در احکام دینی چیست؟
- ۳- تقلید برای چه کسانی لازم است و شامل چه زمینه‌هایی می‌شود؟
- ۴- چرا باید مرجع «عادل» و «زمان‌شناس» باشد؟



به رساله‌ی «توضیح المسائل» مراجعه کنید. احکام مربوط به تقلید را مطالعه کنید و سه مورد را که مهم تشخیص می‌دهید، انتخاب کنید و در کلاس بگویید.



## درس ۱۲

# ولایت فقیه عصر غیبت شکل حکومت اسلامی در

خواندیم که ولایت و رهبری جامعه در عصر غیبت برعهده ی فقیه واجد شرایط است . چنین فقیهی به نیابت از امام ، مسئولیت رهبری و اداره ی جامعه را برعهده می گیرد و مسلمانان را به سوی اهداف اسلامی راهنمایی می کند . اکنون می خواهیم به مسائل مربوط به حکومت اسلامی در عصر غیبت بپردازیم .

## ۱- ولی فقیه چگونه برگزیده می‌شود؟

کسی شایستگی رهبری جامعه‌ی اسلامی را دارد که :

اولاً: شرایط مربوط به رهبری را که دین معین کرده است، دارا باشد در این صورت حکم او مورد پذیرش دین است و «مشروعیت» دارد. در غیر این صورت حکمش طاغوتی است و پیروی و تبعیت از آن حرام است<sup>۱</sup>. پس اگر بپرسند «چه کسی شایسته و لایق حکومت کردن است؟»، می‌گوییم بنابر آیات و روایات، کسی که شرایط زیر را داشته باشد :

الف - فقیه عادل با تقوا باشد.

ب - زمان‌شناس باشد و بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.

ج - با تدبیر و با کفایت باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیچیده‌ی جهانی رهبری کند و با درایت و بینش قوی، نقشه‌های دشمنان دین را خنثی سازد.

د - شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و وا همه، با دشمنان دین مبارزه کند. در اجرای احکام دین از کسی نترسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند.

ثانیاً: چنین کسی باید مورد قبول و پذیرش مردم قرار گیرد و «مقبولیت» داشته باشد. فقیهی می‌تواند جامعه را به سوی هدف‌های اسلامی رهبری کند که مردم با آگاهی و شناخت او را قبول داشته باشند و به او اعتماد و اطمینان پیدا کرده باشند. پس اگر بپرسند «چه کسی می‌تواند حکومت کند؟»، می‌گوییم کسی که علاوه بر داشتن شرایط رهبری، مردم نیز او را پذیرفته‌اند. با پذیرش و قبول مردم است که رهبری و هدایت جامعه میسر می‌گردد و پیاده‌کردن احکام الهی ممکن و مقدور می‌شود.

در طول تاریخ، نه تنها فقیهان، که هیچ پیامبر و امامی را نمی‌بینیم خود را به زور بر مردم تحمیل کرده و حکومتی استبدادی تشکیل داده باشد. زیرا حاکم اسلامی تنها مسئولیت اداره‌ی جامعه را برعهده ندارد، بلکه می‌خواهد مردم را به سوی کمال و رستگاری راهنمایی کند و این امر وقتی ممکن است که رابطه‌ی دوستی و تبعیت قلبی میان مردم و حاکم برقرار باشد. هنگامی می‌توان جامعه‌ای را به سوی عدالت و آبادانی، فلاح و رستگاری هدایت کرد که مردم آن جامعه، خود قلباً این هدایت را بپذیرند، به خاطر آن تلاش کنند و در سختی‌ها و گرفتاری‌ها از رهبر حمایت کنند و از خودگذشتگی

۱- صحیفه‌ی نور، مجموعه‌ی آثار امام خمینی، ج ۹، ص ۲۵۳.

نشان دهند.

از این رو، ولی فقیه به طور مستقیم (یک مرحله‌ای) یا غیرمستقیم (دو مرحله‌ای) از طرف مردم انتخاب می‌شود و رهبری را به دست می‌گیرد. مردم کشور ما، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به شیوه‌ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راه‌پیمایی‌های سراسری، ولایت امام خمینی - رحمة الله علیه - را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند.

انتخاب به روش غیرمستقیم (یا دو مرحله‌ای) نیز همان شیوه‌ای است که در قانون اساسی کشور ما پیش‌بینی شده است و مطابق آن، مردم ابتدا نمایندگان خبره‌ی خود را انتخاب می‌کنند. آنان نیز در میان مجتهدین آن کس را که شایسته‌تر تشخیص دهند، به عنوان رهبر جامعه اعلام می‌کنند. پس از رحلت امام خمینی - رحمة الله علیه - حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با همین شیوه مسئولیت رهبری جامعه را عهده‌دار شد.



اصل ۱۰۷ قانون اساسی را که مربوط به انتخاب رهبر است، مطالعه کنید و چگونگی انتخاب ولی فقیه را توضیح دهید.

## ۲- میان انتخاب ولی فقیه و مرجع تقلید چه تفاوتی وجود دارد؟

انتخاب مرجع یک وظیفه‌ی شخصی است و هرکس، از راه‌هایی که معین شده است، مرجع خود را شناسایی می‌کند و هر زمان هم که فقیه‌ی دیگر را اعلم دانست به او مراجعه می‌نماید. به همین جهت، نیازی نیست که همه یا اکثریت مردم از یک مرجع، پیروی کنند اما ولی فقیه که رهبر و مسئول اداره‌ی جامعه است، نمی‌تواند متعدد باشد و این لازمه‌ی نظم اجتماعی و اجرای قانون واحد در جامعه است. بر این اساس، یکی از فقها در انتخابی عمومی، عهده‌دار منصب ولایت فقیه می‌شود و برای پیاده کردن قانون اسلام اقدام می‌کند.



### ۳- آیا ولیّ فقیه و مرجع تقلید می‌تواند یکی باشد؟

گفتیم که انتخاب مرجع امری خصوصی است و هرکس براساس ضوابط دینی، مرجع خویش را شناسایی و انتخاب می‌کند. به همین جهت، ممکن است چند مرجع در جامعه باشند که مردم به آن‌ها مراجعه کنند اما همواره یک ولیّ فقیه عهده‌دار رهبری جامعه است. حال ممکن است عموم مردم از همان فقیهی پیروی کنند که او را به عنوان رهبر و ولی برگزیده‌اند یا این که گروه‌هایی از مردم از ولیّ فقیه تقلید کرده و گروه‌های دیگر فقیهانی را که در مقام رهبری جامعه نیستند مرجع تقلید قرار دهند.

البته اگر رهبری جامعه و مرجعیت علمی در یک فقیه جمع شود، هماهنگی و وحدت رویه‌ی بیش‌تری بر جامعه حاکم می‌شود اما در صورتی که برخی از مردم از مرجع تقلیدی پیروی کنند که رهبر جامعه نیست، مشکلی پیش نمی‌آید؛ زیرا وظایف مرجع و رهبری جامعه با هم تداخل ندارد هم‌چنان که همه‌ی فقیهان اعلام کرده‌اند، در قوانین و مقررات مربوط به نظام اجتماعی، ضروری است که همه‌ی مردم پیرو ولیّ فقیه باشند و قوانین حکومت اسلامی را که زیر نظر ایشان تصویب شده است، مراعات کنند و اگر در زمینه‌ای ولیّ فقیه، حکم داد، لازم است تمام مردم - حتی سایر فقیهان و مراجع - از آن حکم پیروی نمایند. البته این یک ضرورت عقلایی و لازمه‌ی بقا و پیشرفت یک کشور و مانع بی‌نظمی و هرج و مرج است.

### ۴- میان نظام اسلامی و سایر حکومت‌های دمکراتیک (مردم سالار) چه تفاوتی وجود دارد؟

حکومت دمکراتیک یا مردم سالار، حکومتی است که در آن خواست اکثریت مردم تعیین‌کننده‌ی نوع نظام حاکم بر جامعه است، نه خواست و اراده‌ی فرد یا گروهی خاص.<sup>۱</sup> این ویژگی در نظام اسلامی کاملاً تحقق دارد. نظام اسلامی زمانی در کشوری استوار می‌شود که اکثریت مردم آن را بپذیرند و بدان پایبند باشند. اما این تفاوت اساسی میان حکومت‌های دمکراتیک

---

۱- متأسفانه اکثر حکومت‌هایی که امروزه به نام حکومت‌های دمکراتیک شهرت دارند، حکومت اقلیت ثروتمندان و سرمایه‌داران بر اکثریت مردم است؛ برای مثال، دو حزب جمهوری خواه و دمکرات در آمریکا در اختیار دو بخش از ثروتمندترین سرمایه‌داران آمریکایی است که عظیم‌ترین رسانه‌های تبلیغاتی را در اختیار دارند. آنان با تکیه بر ثروت عظیم و تبلیغات قوی، افکار مردم را به سوی اهداف خاص خود جهت می‌دهند و آرای آن‌ها را (معمولاً با درصدی پایین) به دست می‌آورند. برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد به کتاب «نظم‌های کهنه و نوین جهانی» اثر نوام چامسکی از انتشارات اطلاعات مراجعه کنید.

رایج در جهان و حکومت اسلامی هست که حکومت اسلامی مسئول اجرای قوانین اسلامی است و فقیه تابع ضوابط و قوانین دینی است و به همین جهت، این نظام، «مردم سالاری دینی» نامیده شده است.

اما دمکراسی رایج در جهان، هدف خود را تأمین خواسته‌های دنیوی مردم قرار داده است و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتناست.

## ۵- رابطه‌ی رهبر با مردم چگونه باید باشد؟

برای آشنایی با این مسئولیت‌ها از نامه‌ای کمک می‌گیریم که حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر نوشته است. وقتی که آن حضرت مالک اشتر را به فرمانروایی مصر برگزید، نامه‌ای مفصل به وی نوشت و در آن سیمایی از حکومت اسلامی را ترسیم کرد. این نامه، به «عهدنامه‌ی مالک اشتر» مشهور است.



در این قسمت، بخش‌هایی از نامه‌ی امام علی علیه السلام را که در آن همراه با هر فرمان علت آن هم ذکر شده است، می‌خوانید با تأمل در این بخش‌ها، هر فرمان را از علت آن تفکیک کنید.

۱- دل خویش را در هاله‌ای از مهربانی نسبت به شهروندان قرار بده و با همه دوست و مهربان باش؛ چرا که مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر در آفرینش همانند تو.

۲- اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت خداوند که برتر از توست، بنگر. این کار تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، تندروی تو را فرو می‌نشاند و عقلت را به جایگاه اصلی بازمی‌گرداند.

۳- دوست داشتنی ترین چیزها نزد تو، آن چیزی باشد که در حق میانه ترین، در عدل شامل ترین و در جلب خشنودی مردم فراگیر ترین است؛ زیرا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص و نزدیکان را از بین می برد و رضایت عمومی؛ خشم خواص را بی اثر می کند.

۴- شهروندانی را که اهل عیب جویی از دیگران اند، از خود دور کن؛ زیرا مردم عیب هایی دارند که مدیر و رهبر جامعه باید بیش تر از همه در پنهان کردن آن ها بکوشد.

۵- در قبول و تصدیق سخن چین شتاب مکن؛ زیرا سخن چین در لباس نصیحت ظاهر می شود، اما خیانتکار است.

۶- با ترسو مشورت نکن که در انجام دادن کارها روحیه ی تورا سست می کند.

۷- هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد؛ زیرا در این صورت، نیکو کاران به کار خیر بی رغبت و بدکاران به کار بد تشویق می شوند.

۸- خدا را خدا را! در خصوص طبقات محروم ... برای خدا پاسدار حقی باش که خدا برای آنان معین فرموده است ... مبادا دل مشغولی های حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسئولیت های دیگر نخواهد بود ... برای این گروه، عده ای از افراد مورد اطمینان و خدا ترس و متواضع را انتخاب کن تا درباره ی وضع آن ها تحقیق کنند و به تو گزارش دهند. سپس، برای رفع مشکلات آن ها به گونه ای عمل کن که در پیشگاه خدا معذور باشی؛ زیرا این گروه از شهروندان بیش تر از دیگران به عدالت نیازمندند.

## ۶- مردم نسبت به حکومت اسلامی چه مسئولیتی دارند؟

همان طور که گفتیم، نظام اسلامی بدون خواست و پذیرش مردم شکل نمی گیرد و تداوم نمی یابد؛ بنابراین، دخالت و حمایت مردم شرط اولیه ی بقای نظام اسلامی است. رهبر معظم

انقلاب می فرماید :

«نظام، بدون حمایت، رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکاء به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکاء به اراده‌ی مردم نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و دیگر انتخابات، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است.»<sup>۱</sup>

و در جای دیگر می فرماید :

«یکی از اصول این است که هر نظامی که بر پایه‌ی [آراء] مردم بنیان گذاری نشده باشد، ماندنی نیست. مردم هستند که می توانند نظامی را به وجود آورند و پایداری بخشد.»<sup>۲</sup>

مسئولیت مردم در نظام اسلامی، با انتخاب رهبر و سایر مسئولان جامعه تمام نمی شود بلکه این انتخاب‌ها، اولین مسئولیت در سلسله مسئولیت‌های مسلمانان در نظام اسلامی است. مسئولیت اساسی افراد جامعه، تلاش برای دوام نظام، رشد و پیشرفت آن در همه‌ی ابعاد زندگی اجتماعی است. خوشبختانه تشکیل حکومت اسلامی در ایران عزیز، با استقبال گسترده‌ی مردم و با رأی بالای تمام اقشار جامعه (اعم از مسلمان، مسیحی، یهودی و زردشتی) روبرو شده است. تداوم و پویایی آن نیز به حضور فعال و با نشاط یکایک مردم در تمام صحنه‌های زندگی اجتماعی وابسته است. امروزه، ولیّ فقیه محور وحدت ملی، همبستگی اجتماعی و استقلال کشور است. تبعیت از ولیّ فقیه به معنای مشارکت در حفظ وحدت ملی و استقلال است و اختصاصی به مسلمانان ندارد. همه‌ی آنان که به این آب و خاک دل بسته‌اند و برای سربلندی و اعتلای آن می کوشند، باید از این محور دفاع کنند.

امام علی علیه السلام درباره‌ی رابطه‌ی میان رهبر و مردم می فرماید :

«... و بزرگ‌ترین حقی که خدا واجب کرده است، حق رهبر بر مردم و حق

مردم بر رهبر است، حقوقی که خداوند بر هریک از این دو نسبت به هم واجب کرده و آن را سبب دوستی و الفت آنان و ارجمندی دینشان قرار داده است، مردم جز به صلاح حاکمان، اصلاح نپذیرند و حاکمان جز به پایداری مردم، نیکو نگردند، پس هنگامی که مردم، وظیفه‌ی خود را نسبت به حاکم انجام دادند و حاکم نیز حق آنان را ادا کرد، حق

۱- سخنرانی در اجتماع زائران مرقد امام خمینی (ره)، در ۱۴/۳/۸۰.

۲- کتاب حدیث ولایت، ج ۳، ص ۱۱۰.

در بین این‌ها ارزشمند می‌شود»<sup>۱</sup>.

امیرالمؤمنین در سخنان خود، این حقوق را می‌شمرد و از آن‌ها یاد می‌کند:

«ای مردم، همانا من به گردن شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی دارید و اما حق شما بر من این است که شما را نصیحت و راهنمایی کنم و درآمدهای بیت‌المال را به شایستگی بین شما تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا نادان ننمایید و تربیت کنم تا یاد بگیرید، و اما حق من بر شما این است که شما به بیعت خود وفا کنید و مرا در پنهان و آشکار نصیحت و یاری کنید و هنگامی که شما را خواندم، اجابت کنید و هنگامی که فرمان دادم، اطاعت نمایید.»<sup>۲</sup>



۱- با گفت‌وگو و هم‌اندیشی، نمونه‌هایی از مسئولیت مردم نسبت به حکومت اسلامی را بیان کنید.

۲- به نظر شما این مسئولیت‌ها تا چه میزان مورد توجه مردم جامعه است؟

۷- آیا تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت می‌تواند در زمینه‌سازی حکومت جهانی حضرت ولی عصر مؤثر باشد؟

پاسخ این سؤال مثبت است؛ زیرا برقراری حکومت اسلامی، علاوه بر این که یک ضرورت اساسی در اجرای احکام اسلامی است، به مؤمنان و منتظران حضرت مهدی (عج) فرصت می‌دهد که آنچه را برای آمادگی ظهور لازم است، فراهم سازند.

۱- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۰۷.

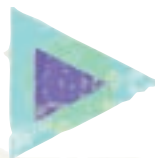
۲- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۳۴.

مرجعیت و ولایت فقیه در عصر غیبت، همان چراغ هدایتی است که در یرتوان می توان راه را از بی‌راهه شناخت و در میان هزاران راهی که به بن‌بست می‌انجامد، راه درست را برگزید و آن را به سلامت پیمود. همچنین، ولایت و حکومت اسلامی قلعه و حصار متین و محکمی است که منتظران در آن، به آماده‌سازی و تشکل خود می‌پردازند. بنابراین:

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به معنای ارائه‌ی یک الگو از حاکمیت دینداران است که با الهام از تعالیم انبیاء، برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها تلاش می‌کنند. در این حکومت، زمینه‌ی عبودیت، معنویت‌خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به‌طور نسبی فراهم می‌آید، معنویت و عدالت در جهان گسترده می‌شود و دینداران و حق‌طلبان جهان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت‌های انسانی می‌شوند و جهانیان آماده‌ی ظهور موعود جهانی خواهند شد.

همچنین در شرایط پیچیده‌ی جهان امروز که گروه‌هایی در برخی کشورها با استفاده از امکانات خود به دنبال سرکوب اندیشه‌ی مهدویت هستند و سرکوب عدالت‌خواهان در نقاط مختلف جهان به‌خصوص در سرزمین فلسطین و اطراف آن را با شدت و قدرت دنبال می‌کنند تا آینده‌ی جهان را مطابق میل خود شکل دهند و مانع پیش‌گویی‌های مورد قبول ادیان آسمانی شوند. وجود حکومت اسلامی می‌تواند امکان مقابله با این توطئه‌ها و تهاجم‌ها را فراهم آورد و برنامه‌های وسیعی را برای پایداری و استقامت مسلمانان در مقابل مستکبرین تدارک ببیند.

برای مطالعه



مردم سالاری دینی از اصطلاحاتی است که در سال‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، برای تبیین حکومت اسلامی مورد استفاده قرار داده و در مناسبت‌های مختلف، به توضیح درباره‌ی آن پرداخته‌اند؛ به قسمت‌هایی

از این توضیحات توجه کنید :

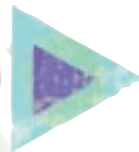
... این مردم سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد ؛ این یک چیز دیگر است. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست ؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه‌ی کامل داشته باشیم ؛ نه ؛ خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است. مردم سالاری هم دو سر دارد ؛ یک سر مردم سالاری عبارت است از این که تشکیل نظام به وسیله‌ی اراده و رأی مردم صورت بگیرد ؛ یعنی، مردم نظام را انتخاب می‌کنند، دولت را انتخاب می‌کنند، نمایندگان را انتخاب می‌کنند، مسئولان اصلی را به واسطه یا بی‌واسطه انتخاب می‌کنند. این، همان چیزی است که غرب ادعای آن را می‌کند و این فقط ادعاست.

پس آن بخش انتخاب مردم، یکی از دو بخش مردم سالاری دینی است. مردم بایستی انتخاب کنند، بخواهند، بشناسند و تصمیم بگیرند تا تکلیف شرعی درباره‌ی آن‌ها منجز و قطعی بشود.<sup>۱</sup>



- ۱- انتخاب ولیّ فقیه در کشور ما چگونه انجام می‌گیرد و مردم از چه طریقی در انتخاب ایشان دخالت دارند؟
- ۲- تفاوت‌های اصلی نظام اسلامی با سایر حکومت‌های دموکراتیک را برشمرد.
- ۳- چگونه حکومت اسلامی ایران می‌تواند زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی (عج) باشد؟

۱- در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.



دعای عهد، از دعا‌های مشهور و مربوط به امام عصر (عج) است و مستحب است که هر روز صبح خوانده شود. در بخشی از این دعا، از خداوند کمک می‌طلبیم که بر عهد و پیمان خود با امام زمانان ثابت قدم باشیم و از یاری آن حضرت دست برنداریم. قسمتی از این دعا به شرح زیر است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهٗ ،  
خدایا من با او تجدید می‌کنم

فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا  
در صبح این روز و

وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي  
تا روزهایی که زندگی می‌کنم

عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً  
عهد و پیمان و بیعتی را

لَهٗ ، فَيُعْنُقُنِي  
که برعهده گرفته‌ام

لَا أَحُولُ عَنْهَا  
و از آن روی نمی‌گردانم

وَلَا أَزُولُ أَبَدًا  
و هیچ‌گاه دست بر نمی‌دارم.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي  
خدایا مرا قرار بده

مِنْ أَنْصَارِهِ وَاعْوَانِهِ  
از یاران و مددکاران او

وَالذَّابِّينَ عَنْهُ  
و دفاع‌کنندگان از او

وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ  
و شتابندگان به سوی او

فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي  
برای برآوردن خواسته‌هایش

وَالْمُتَتَّبِعِينَ لِأَوَامِرِهِ  
و اطاعت‌کنندگان از دستورات او

وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ  
و مدافعان حضرتش

وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ  
و پیشی‌گیرندگان به سوی خواسته‌هایش

وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ  
و کشته‌شدگان در پیشگاهش.





برای این که زندگی فردی و اجتماعی با مطابق با قوانین الهی و توراتی  
 او باشد، دو اقدام زیر را در برنامه‌های خود جای می‌دهیم:

۱. در مبحث راکه واجب شرعی و اینجمله، انتخاب می‌کنیم تا احکام دینی  
 خود را مطابق تفریق که متخلف این موضوع است، انجام دهیم.

۲. مسوولیت خود را به عنوان عضوی از نظام اسلامی می‌پذیریم و در  
 انتخاب سولان و کتورش مردم سالاری دینی، از حق خود استفاده می‌کنیم.

کاری راکه عمده دار شده ایم، به دست می‌انجام می‌دهیم و دیگران را نیز به  
 انجام دادن مسوولت ایشان تشویق می‌کنیم.